گروه اجتماعی

آموزش عمومی ازوظایف اصلی دولت هاست وازاین‌رو دولت‌ها نسبت به تأمین مالی آموزش عمومی مکلف‌اند. اما همواره کمبود منابع بهانه‌ای بوده تا مدارس از نهادهای اجتماعی به بنگاه‌های اقتصادی وتجاری تبدیل شوند. این درحالی است که درقانون اساسی نیزبرتأمین آموزش رایگان عمومی تأکید شده است، بااین وجود درسایه بی‌توجهی به قانون، هزینه‌های نهادِ مدرسه هرچه بیشترازتأمینِ دولتی و عمومی خارج واداره آن به خانواده‌ها سپرده می‌شود.

موضوعی که بارها ازسوی مقام معظم رهبری موردانتقاد واقع شده و یازدهم شهریور۹۹ در دیدار با رؤسا و مدیران وزارت آموزش‌وپرورش متذکرشدند:«یک‌نکته‌درباب‌عدالت‌آموزشی بحث‌مدارس‌دولتی‌است‌که‌مراقب‌باشیم‌مدارس‌دولتی‌جوری نباشد که‌دانش‌آموزی که‌درمدارس‌دولتی‌تحصیل می‌کند، احساس کند که مثلا فرض کنید امکان قبولی‌اش در کنکور کمتراست؛این[طور]نباید‌باشد‌یعنی‌بایستی‌ماسطح‌مدارس دولتی‌را‌هم‌ازلحاظ آموزش‌وهم‌ازلحاظ پرورش، جوری بالا بیاوریم که خود آن دانش‌آموز احساس اعتماد کند، خانواده او‌هم که می‌خواهند این فرزند را بفرستند به مدرسه دولتی، احساس نکنند که دارند او را به یک جای بی‌پناه می‌فرستند و‌رها می‌کنند؛ این جوری نباید باشد؛ باید به مدارس دولتی به معنای واقعی کلمه رسیدگی بشود.»

ایشان سال گذشته نیز در دیدار شمار زیادی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور در خصوص مسئله برون سپاری با اشاره به این که تفکر برون سپاری در گذشته در بعضی از مسئولان کشور وجود داشته، تأکید کردند:«این که ما بیاییم آموزش‌وپرورش را ازدولت جدا کنیم به‌هیچ‌دست‌بخش‌های خصوصی و این خرج سنگین و این بودجه سنگین را ازدوش آموزش‌وپرورش برداریم! دست‌شان درد نکند؛ برای نابود کردن کشور، این فکر خوبی است.» ازنگاه رهبرمعظم انقلاب شأن تعلیم وتربیت شأن دولتی است؛ هیچ نظامی نمی‌تواند این شأن را ازخودش دور کند، از نظام قابل تفکیک نیست. تربیت و تعلیم کشور به عهده نظام حاکم براین کشور است، در همه دنیا هم همین‌جور است. کار تعلیم و تربیت و اداره تعلیم و تربیت کار دولتی است و قانون اساسی ما هم که این را به‌صراحت بیان کرده‌است. بنابراین، مسئله برون سپاری معنی‌ای ندارد؛ این شأن دستگاه حاکم قابل واگذاری نیست. طبق تأکیدات رهبرانقلاب تقویت مدارس دولتی مهم است: «نباید در کشور جوری باشد که وقتی گفته می‌شود «مدرسه دولتی»، اولین چیزی که درمقابل انسان نقش می‌بندد ضعف مدرسه باشد؛ این نباید باشد. معلمین خوب، مربیان خوب، مربیان تربیتی خوب، معلمین متعهد، فضاهای آموزشی قابل قبول، در مدارس دولتی باید وجود داشته باشد؛ این مطلب اول. وقتی ما به مدرسه دولتی کم اعتنایی بکنیم، معنایش این است که اگر کسی بنیه مالی‌اش آن قدر نبود که بتواند در آن مدرسه‌ای که شهریه می‌گیرد ثبت نام بکند، ناچار است که تن به ضعف بدهد؛ معنایش این است که کسی که بنیه مالی ندارد، بنیه علمی هم نداشته باشد. این بی‌عدالتی محض است؛ این بی‌عدالتی به هیچ وجه قابل قبول نیست.»

دولت چهاردهم پیروفرمایشات رهبری، برتقویت مدارس دولتی وبرقراری عدالت آموزشی تأکید دارد. مسعودپزشکیان درقامت رئیس این دولت درجلسه شورای عالی آموزش‌وپرورش گفته است: «به کارگیری ابزارهای نوین ارتباطی وآموزشی می‌تواند به‌اجرای عدالت آموزشی درسراسر کشور کمک کند، دلیل عدم اجرای مطلوب سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش، فقدان مکانیسم آموزش متناسب بااهداف این سند است.» بااین حال احمد محمودزاده، رئیس سازمان مدارس ومراکزغیردولتی و توسعه مشارکت‌های مردمی وزارت آموزش‌وپرورش به‌تازگی در گفت‌وگو با «جام جم» مطرح کرده، «باتوجه به رویکرد مدارس غیردولتی، مانگاه‌مان این است که درحال کمک کردن به‌عدالت آموزشی هستیم. مابخشی ازمأموریت خطیر، حساس، پرهزینه و مهم آموزش‌وپرورش را بامشارکت خود اولیا پیش می بریم. پس آموزش‌وپرورش درحوزه دولت ومدارس دولتی می‌تواند هزینه‌هایی را هم که باید به این دانش‌آموزان ارائه می‌داد درقسمت دولتی توزیع کند. اگرازاین منظربه موضوع نگاه کنیم، واقعا حضورمدارس غیردولتی کمک به‌عدالت آموزشی است.» این اظهارات به‌روشنی دلایل شیب‌تندی که آموزش عمومی درمسیرپولی‌سازی پیموده راآشکارمی سازد وازقضا چنین استدلال هایی در میان برخی از صاحب نظران نظام آموزشی هم هوادارد‌ارد. استدلالی که به‌بهانه کمبود بودجه ازکاهش نقش دولت درتأمین هزینه‌های خدمات رفاهی از قبیل آموزش وبهداشت حمایت می‌کند!

رشد بودجه به معنای افزایش سهم آموزش و پرورش از کل بودجه کشور نیست

وضعیت بودجه وزارت آموزش و پرورش در سال‌های اخیر چنان به‌وخامت گراییده که برخی ازآن باعنوان «خشکسالی آموزشی» یاد کرده‌اند. بودجه‌های سالانه این وزارتخانه به نحوی پیشنهاد و تصویب می‌شوند که کسری شدید آن‌ها حتی پیش ازاجرایی شدن برهمگان آشکار است. درنتیجه این روند مستمر، کیفیت آموزشی راکاهش داده و دربدترین شرایط‌اقتصادی، بازارمدارس‌غیردولتی به‌بهای فشارفزاینده برگرده‌اقتصاد خانواده‌ها رونق گرفته‌است. طرح‌های بسیار مبهم و نامطمئنی چون طرح خرید خدمات آموزشی هم در واقع راه‌های گریزی برای خلاص‌شدن ازهزینه‌های فزاینده آموزشی ازیک‌سوواعتبارات ناچیزآن‌ازسوی دیگراست. همه این‌ها درحالی‌است که‌افزایش سهم‌آموزش‌وپرورش‌ازبودجه عمومی‌دولت‌وتولیدناخالص‌داخلی دراسناد بالادستی مورد تأکید وتصریح قرارگرفته است. درنقشه جامع علمی کشور «افزایش سهم آموزش دوره عمومی ازبودجه عمومی دولت» به‌عنوان اقدام ملی تصریح شده است. درسیاست‌های کلی ایجادتحول درنظام آموزش وپرورش کشوربار دیگر«رعایت اولویت دربودجه مورد نیازآموزش و پرورش درلوایح بودجه سنواتی...» تأکید شده و در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز«شفاف‌سازی و برنامه‌ریزی برای افزایش سهم اعتبارات آموزش و پرورش ازتولید ناخالص داخلی به میزان مناسب» به‌عنوان راهکارآمده، اما آمارها حکایت ازآن دارد که هیچ یک ازاین اسناد نتوانسته تأثیرمحسوسی برورویکرد حاکم براقتصاد آموزش و پرورش کشورداشته باشد. به نظر می‌رسدپیامدهاونتایج کمبودهاوتنگناهای مالی دومینووار به عرصه‌های دیگرسرایت کرده و کلاف درهم‌پیچیده‌ای از معضلات مختلف‌ایجادکرده‌است. «فرسودگی‌شدیدبسیاری ازمدارس‌کشورو‌غیراستاندارد‌بودن‌برخی‌دیگر،افزایش‌نسبت دانش‌آموزبه‌معلم، عقب‌افتادگی‌اغلب‌مدارس‌ازجهان‌دائما دگرگون‌شونده‌فناوری‌های‌آموزشی‌جدید، مشکلات‌مالی جدی‌فرهنگیان و بی‌انگیزگی‌فزاینده‌آنان، افزایش‌سهم هزینه‌های‌آموزشی‌درسبد‌هزینه‌های‌خانوارهاوشاید‌ازهمه مهم‌تر، کالایی‌شدن و تجاری‌شدن آموزش و طبقاتی‌شدن فزاینده‌نظام‌آموزشی‌کشوربرخی‌ازمهم‌ترین‌این‌معضلات هستند‌که‌به‌راحتی‌می‌توان‌آن‌ها‌را‌به‌وضعیت‌مالی‌آموزش وپرورش‌مرتبط‌کرد.»(۱)

اگرچه‌رقم‌های‌بودجه‌آموزش‌وپرورش‌هرسال‌افزایش‌یافته اماضرورتا‌نباید‌به‌معنای‌افزایش‌سهم‌آموزش‌وپرورش‌از کل‌بودجه‌کشوتلقی‌شود. اگربه‌ارقام‌بودجه‌پیشنهادی یامصوب‌آموزش‌وپرورش‌کشورنگاهی‌بیندازیم، درهمه سال‌ها‌شاهد‌افزایش‌بودجه‌بوده‌ایم، اما‌این‌افزایش ریالی‌وعددی‌که‌بسیارنیزمورد‌تأکید‌مسئولان‌ذی‌ربط است، چیزی‌دیدنی‌را‌درباره‌واقعیت‌های‌بودجه‌آموزش‌و پرورش‌نمی‌گوید. باتوجه‌به‌تورم‌افسارگسیخته‌که‌به‌ویژه طی‌سال‌های‌اخیردولت‌را‌مجبور‌کرده‌سالانه‌بین‌۱۰‌تا ۱۵‌درصد‌حقوق‌کلیه‌کارکنان‌دولت‌و‌از‌جمله‌کارکنان آموزش‌و‌پرورش‌را‌افزایش‌دهد‌و‌همچنین‌با‌توجه‌به افزایش‌تعداد‌کارکنان‌و‌نیزافزایش‌تعداد‌دانش‌آموزان و‌هزینه‌های‌فزاینده‌ای‌که‌تورم‌بر‌اداره‌ساختار‌عریض‌و طویل‌آموزش‌وپرورش‌تحمیل‌می‌کند،به‌راحتی‌نمی‌توان این‌افزایش‌بودجه‌را‌نشانگر‌بهبود‌اوضاع‌در‌آموزش‌و پرورش‌کشور‌دانست.

عدالت آموزشی زیر سایه بودجه کم آموزش

افزایش بودجه به روایت آمار

واقعیت این است که در طی این سال‌ها سهم آموزش مدام کمترهم شده و باتوجه به آمارهایی که در رسانه‌ها درج شده «در بودجه سال ۹۶ وزارت آموزش و پرورش، افزایش بودجه این وزارتخانه،۱۰ درصد پیش‌بینی شده. درحالی که درهمان سال، تنها‌حقوق کارمندان دولت۱۰ درصد‌افزایش‌یافته‌است. یعنی‌بودجه‌تعیین‌شده‌دراین‌سال، تنها‌افزایش‌حقوق‌رسمی معلمان را‌پوشش داده است. در حالی که فرهنگیان در این سال معوقاتی داشته‌اند که برای پرداخت آن در بودجه سال ۹۶ هیچ برنامه‌ای در نظرگرفته نشده، همین کسری بودجه ومجموعه مطالبات واعتراضات فرهنگیان، دربودجه‌بندی یک سال پس ازآن، یعنی سال ۹۷ خود را نشان می‌دهد. در بودجه سال ۹۷، از میان سازمان‌های زیرمجموعه آموزش و پرورش، سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کاهش چشمگیری داشته و از ۵۱۴ میلیارد و ۷۹۰ میلیون تومان در سال قبل، به ۶۶ میلیارد و ۳۴۲ میلیون در سال ۹۷ کاهش پیدا کرده است. امار‌دیف مجزایی با‌اعتبار۳۰۰ میلیارد‌تومان برای خرید‌خدمات‌آموزشی درمناطق کمتربرخوردار‌وردیف جداگانه‌ای با‌عنوان کمک به صندوق ذخیره فرهنگیان با مبلغ ۶۳ میلیارد تومان اضافه شده است. به عبارتی در این سال، ازسهم توسعه وتجهیزمدارس به نفع برخی مطالبات پاسخ‌داده‌نشده فرهنگیان کاسته شده و به صندوق ذخیره فرهنگیان انتقال داده شده است. سهم آموزش و پرورش از بودجه عمومی کشور در‌قانون بودجه سال ۹۷، رقمی حدود ۹/۵ درصد‌بوده‌است، درحالی‌که‌نسبت‌سهم‌بودجه‌آموزش وپرورش درقانون بودجه یک سال بعد،۱۱ درصد بوده‌است. از سال۹۴‌تا۱۴۰۲،اعتبارسال۹۸‌آموزش‌وپرورش‌تنها‌استثنایی است که رشدی واقعی داشته و ۱۱ درصد از کل بودجه کشور را به خود اختصاص داده است. این رقم در سال بعد (۱۳۹۹) کاهش یافته است. برای مثال، اعتبار فعالیت‌های ورزشی و پرورشی مدارس در بودجه این سال، به میزان ۳۰ درصد پایین آمده‌است. همچنین هزینه‌پوشش تحصیلی درقانون بودجه سال ۹۹، نسبت به سال قبل، ۲۰ درصد کاهش داشته است. به طور کلی طبق برآوردهای کارشناسان، آموزش و پرورش در این سال با کسری ۲۰ هزار میلیارد تومانی بودجه مواجه بوده‌است. همین کسری باعث عدم توانایی این وزارتخانه در پرداخت معوقات فرهنگیان می‌شود، معوقاتی که به‌سال ۱۴۰۰ موکول می‌شوند و به ناچار بودجه وزارت در این سال، رشدی ۴۸ درصدی داشته که البته به نسبت تورم با درصدی مشابه درهمان سال، به‌معنای عدم تغییردربودجه‌است. دربودجه سال ۱۴۰۰ آموزش و پرورش، حدود ۹۶ درصد اعتبارات تنها به پرداخت‌های پرسنلی کارکنان اختصاص داشته وسهمی برای ارتقای کیفیت آموزش یا جبران خسارت‌های گذشته باقی نمانده است. سهم آموزش و پرورش ازبودجه عمومی دولت در سال ۱۴۰۰، ۱۲/۹ درصد بوده. اما در سال ۱۴۰۱، اعتبار این وزارتخانه به‌نسبت بودجه عمومی به‌میزان ۱۱/۲ درصد کاهش پیدا کرده است. معاون برنامه‌ریزی و توسعه منابع انسانی وزارت آموزش و پرورش درباره بودجه این وزارتخانه در سال ۱۴۰۱ گفته بود که اعتبارات عمرانی آموزش وپرورش نسبت به گذشته۳۱ درصد کاهش داشته است. همچنین در این سال، اعتبارات سازمان نوسازی مدارس هم کاهشی ۱۵ درصدی داشته است. بودجه وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۴۰۲ به نسبت سال قبل، رشدی ۲۱ درصدی داشته، درحالی که تورم سالانه طبق آمارهای بانک مرکزی و مرکز آمار ایران، بالای ۴۰ درصد بوده است. طبق بودجه پیش‌بینی‌شده سال ۱۴۰۲، سرانه هر دانش‌آموز به طور میانگین روزانه ۲ هزار تومان در نظرگرفته شده است.» بودجه امسال وزارت آموزش و پرورش ۲۷۸ هزار میلیارد تومان است. این در حالی است که روزنامه فرهیختگان در گزارشی اعلام کرده «کمک مستقیم دولت به صندوق‌های بازنشستگی ۱/۶ برابر کل بودجه آموزش‌وپرورش ورقمی معادل ۴۵۳ همت است. همچنین تا سال ۱۴۰۱ نسبت هزینه‌های دولت در بخش آموزش‌وپرورش به ۳/۲ درصد رسیده که این رقم ایران را در رتبه ۱۱۲ جهان در بین ۱۶۶ کشور قرار می‌دهد. سهم بودجه آموزش و پرورش در بودجه سال جاری ۹/۶ درصد پیش بینی شده است. سهمی که از سال ۱۴۰۱ تا کنون هرساله درحال کاهش است.»

افزایش سهم هزینه‌های آموزشی در سبد هزینه‌های خانوار

نتیجه اجتناب ناپذیر کاهش سهم آموزش و پرورش از بودجه عمومی دولت‌وتولیدناخالص‌داخلی، «افزایش‌سهم‌هزینه‌های آموزشی در سبد هزینه‌های خانوار است، امری که مساوی با فشار بیشتر بر اقتصاد خانوار، کاستی‌شدن فزاینده نظام آموزشی کشور و افزایش تعداد بازماندگان از تحصیل است. افزایش سهم هزینه‌های آموزشی در سبد هزینه‌های خانوار درعمل به‌کالایی‌شدن آموزش دامن می‌زند، زیراهنگامی که آموزش کالا می‌شود، پول بیشتربه معنای امکان خرید بیشتر است. بررسی‌ها نیز نشان می‌دهد سهم هزینه‌های آموزش درخانوارهای شهری به مراتب بیشتر ازخانوارهای روستایی و در میان خانوارهای شهری نیز در دهک دهم درآمدی به اندازه کل پنج دهک اول درآمدی است. آنچه دولت از آن با عنوان مشارکت مردم درآموزش وپرورش یاد می‌کند، درواقع چیزی جزگسترش مدارس غیردولتی نیست و نتیجه‌ای جز کالایی‌شدن و طبقاتی‌شدن آموزش و پرورش ندارد، اگرچه می‌تواند هزینه‌های دولت برای آموزش و پرورش را کاهش دهد، اما در طولانی مدت هزینه‌هایی به مراتب گزاف‌تر را بر اقتصاد، فرهنگ نظام اجتماعی ونظام سیاسی کشورتحمیل خواهد کرد.»(۲)

آموزش وخدماتی ازاین دست مسئله حاکمیت است وفقط مسئله دولت نیست وبرای تأمین مالی آن باید کل حاکمیت همراهی کنند. با این حال به نظر می‌رسد رویکرد توسعه مدارس پولی چنان قوت گرفته که ما در ایران گوی سبقت را از کشورهایی با نظام اقتصادی بازارآزاد هم ربوده‌ایم وگاه برخی خانواده‌ها نیزبه‌عنوان کنشگران مهم درمیدان آموزش چنین روندی را به رسمیت می‌شناسند یا نسبت به آن حساسیتی ندارند!«مدارس بسته به میزان درآمد ساکنان حوالی مدرسه به صورت لایه‌بندی شده شهریه دریافت می‌کنند. اکنون در برخی مناطق تهران حدود۷۰ درصد مدارس غیردولتی شده‌اند و اگر افراد بخواهند کودکانشان را در مدارس دولتی ثبت‌نام کنند انتخابی ندارند!»(۳)

آخرین آمارهای بانکِ جهانی نشان می‌دهد در ایران سهمِ دولت در تأمینِ هزینه‌های جاری آموزش و پرورش عمومی به کمتر از ۶۰ درصد رسیده است. یعنی نزدیک به ۴۰ درصد از هزینه‌ها برعهده سایربخش‌های جامعه ازجمله خانواده‌های دانش‌آموزان است. این رقم بااحتسابِ بازارموازی آموزش که شامل مؤسسه‌های خصوصی است، به۵۰ تا۵۵ درصد کاهش پیدا می‌کند. یعنی در عمل نزدیک به نیمی از هزینه‌های تحصیلِ پایه در ایران توسط بخش‌هایی غیر از دولت تأمین می‌شود. باید در نظر داشت که همین میزان هم رو به کاهش است و مشارکت دولت در تأمین مالی آموزش عمومی روند نزولی دارد. برای درکِ اوضاعِ آموزش در ایران کافی است آمارهای مشابه را هم بدانیم. میانگینِ سهمِ دولت در تأمین هزینه‌های عمومی آموزش در سراسرِ جهان ۹۰ درصد است. یعنی به طورِ میانگین دولت‌ها ۹۰ درصد از هزینه‌های عمومی آموزش را تأمین می‌کنند. گزارش‌های بانکِ جهانی، ایران را رکوردارِ مدارس غیردولتی معرفی کرده است.

عقب‌نشینی اقتصادی دولت از آموزش

این روند باشتابی سرسام‌آور همچنان درنظام آموزشی تداوم دارد. به طوری که آموزش از کانالی برای ارتقا به محلی برای خریدِ مدرک تبدیل شده و برخلاف اصل سی ام قانون اساسی بادنبال کردن پروژه خصوصی‌سازی به‌آموزش عمومی ماهیت طبقاتی داده‌ایم. حتی «بخش بزرگی ازمدارس دولتی هم به شیوه مدارس غیردولتی شهریه‌های کلانی دریافت می‌کنند. مشاورزیرآموزش وپرورش سال تحصیلی ۹۷-۹۶ اعلام کرده بود، مردم حدود۱۰ هزارمیلیارد تومان شهریه به‌مدارس دولتی پرداخت کرده‌اند. البته‌این بخش‌شفاف‌ماجراست که‌آموزش وپرورش‌توان رصدآن‌را‌دارد‌چراکه‌برخی‌مدارس‌حساب‌های جداگانه و دستگاه‌های کارتخوان مجزایی دارند که ازسوی وزارتخانه و ادارات استانی و منطقه‌ای آن قابل رصد نیست. این‌موضوع‌نشان می‌دهد که‌عددی که‌مردم‌سالانه‌به‌آموزش دولتی پرداخت می‌کنند بیش از همین ۱۰ هزارمیلیارد تومان است و تقریبا معادل ۲۵ درصد کل بودجه‌ای است که دولت به آموزش و پرورش می‌دهد و این جدای شهریه‌ای است که مردم به مدارس غیرانتفاعی می‌دهند.»(۴)

عقب‌نشینی اقتصادی دولت از آموزش، مدیریتِ مدارس را دگرگون کرده و جایگاهِ مدیر، معاون، ناظم و سایرِ عوامل اجرایی مدارس پرتنش و تناقض‌آمیز است. آنان از یک سو با درخواست‌هایی از جانب اولیای دانش‌آموزان برای اداره با کیفیت مدرسه مواجه‌اند و از سوی دیگر تابعِ قانون‌ها و دستورهای بالادستی هستند که هر ساله سهمِ آموزش را از بودجه عمومی کمتر می‌کنند. ازنظرِ بالادست‌ها مدیرلایق کسی است که بتواند به شکلی ریاضتی با کمترین هزینه یک مدرسه را به‌هرترتیب بچرخاند. مدیران اما درعمل نمی‌توانند ازبخشِ ضروری نیازهای ابتدایی هرمدرسه چشم‌پوشی کنند. در چنین شرایطی است که آنان فشاری را که از بالا به آن‌ها وارد شده به مردم منتقل می‌کنند. برای دانش‌آموزان شهریه تعیین می‌کنند و از هرکمکی استقبال می‌کنند.

اما درهمان مدارس دولتی هم نابرابری وتبعیض وجود دارد. در آن جا هم آنانی که پولدارترند دستِ بالا را دارند. مدیران مدرسه درعمل وابسته به والدین دانش‌آموزانی می‌شوند که وضعیت مالی خوبی دارند. این موضوع حتی درنحوه برخورد با فرزندانِ آن‌ها هم اثرگذار است.

هرمدرسه یک بنگاهِ اقتصادی!

نتیجه منطقی چنین رویدادهایی، سرسپردگی هرچه بیشتر مسئولانِ مدارس به ثروتمندان است. آنان به واسطه پول و قدرت مالی‌شان حتی در درازمدت می‌توانند جهت‌گیری‌های کلی مدرسه را هم مطابق سلیقه خود تغییر دهند. آنان می‌توانند برخورداری ازامتیازات ویژه‌ای را برای فرزندانشان درمدارس تدارک ببینند. بیشترِ مدیران اکنون ناگفته ازاین قواعد آگاهند و هرچه بیشتر شبیه به رئیسان بانک‌ها عمل می‌کنند. برخلافِ بدنه معلمان که واکنشی انتقادی نسبت به وضعیت آموزش فعلی در پیش گرفته‌اند، مدیران به واسطه جایگاهشان معمولا سیاست‌هایی بانک وارد پیش گرفته‌اند. بیشترین حرف‌شنوی و استقبال را ازافرادی دارند که بهای بیشتری پرداخت کرده‌اند. گویی مدرسه یک بنگاهِ اقتصادی صِرف است.

اما تمامی خانواده‌ها توان مالی یکسانی در پرداختِ شهریه و «کمک به‌مدرسه» ندارند. آنانی که‌ثروتمندترند‌شهریه‌بیشتری می‌پردازند و البته توقعاتِ بیشتری هم دارند و با این کار به دو شکل پایه‌های یک نظامِ تبعیض‌آلودِ آموزشی را می‌سازند که مبتنی برجدایی وفاصله بیشترفقیرو‌غنی است. به این صورت که در مرحله اول ثروتمندان فرزندانشان را در مدارس خاصی ثبت‌نام می‌کنند که خودشان هزینه‌هایش را تأمین می‌کنند. با پرداختِ پول، آنان توقع آموزش با کیفیت‌تری هم دارند. در مقابل دانش‌آموزانِ دیگرباید‌درهمان‌مدارس‌دولتی‌عادی‌درس بخوانند که کیفیتی به مراتب پایین‌تر دارند. این گونه است که فرزندانِ پزشکان، وکلا، متخصصان و سایرِ اعضای طبقه مرفه بازتولیدِ جایگاه فرزندانشان در تقسیمِ کار اجتماعی را تضمین می‌کنند. این یعنی کاهش و حذف تدریجی سهم آموزش عمومی از ردیف بودجه کشور، همه مدارس، دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان را به یک اندازه تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. این کاهش بودجه سالانه دراصل، به‌معنای بازستانی سهم کودکان طبقات پایین جامعه به‌نفع فرادستانی است که می‌توانند برای خود مدرسه خصوصی، معلم خصوصی و همه انواع امکانات آموزشی خریداری کنند و نمایانگر فقدان نگاه راهبردی به آموزش و پرورش و تسلط مستمر رویکردهای نادرست به این عرصه است. درواقع، اگربحران مالی راعلت بسیاری ازچالش های آموزش و پرورش بدانیم، این بحران خود ریشه در تسلط فزاینده رویکردهای غلط در این حوزه دارد، رویکردهایی که تا به‌طوربنیادین اصلاح نشوند، تحول بنیادین در وضعیت مالی آموزش‌وپرورش دورازانتظارمی‌نماید. نگاه راهبردی بلندمدت به آموزش وپرورش مستلزم آن است که آموزش وپرورش آخرین حوزه‌ای باشد که از تنگناهای مالی متأثر می‌شود. می‌توان بهره‌وری را افزایش داد، روش‌های مدیریت و مصرف را ارتقا داد و منابع تأمین مالی را متنوع کرد (البته نه از جیب مردم)، اما نمی‌توان به این حوزه ریاضت تحمیل کرد. باید کمی کمتر مبالغ هنگفت‌راصرف‌برنامه‌های‌کم‌بازده‌یاناکاملی‌فایده‌کرد، وحتی می‌توان کمی کمترجاده وراه‌آهن ساخت، اما نمی‌توان کمی کمتربرای آموزش هزینه کرد.

پی‌نوشت‌ها:

۱- بودجه ریاضتی/ مجتبی قلی‌پور/ عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

۲- مجتبی قلی پور/ عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی

۳- یکی از اساتید گروه برنامه‌ریزی ورفاه دانشگاه تهران/ روزنامه تعادل

۴- یکی از اساتید گروه برنامه‌ریزی ورفاه دانشگاه تهران/ روزنامه تعادل

آگهی دعوت از بستانکاران شرکت تأمین قطعات الکترونیک مهتاب (در حال تصفیه) (سهامی خاص) به شماره ثبت ۶۷۰۳۹ و شناسه ملی ۱۴۰۰۸۱۱۵۰۴۰ نوبت دوم

دراجرای ماده ۲۲۵ اصلاحیه قانون تجارت، ازکلیه بستانکاران تأمین قطعات الکترونیک مهتاب (درحال تصفیه) (سهامی خاص) به شماره ثبت ۶۷۰۳۹ وشناسه ملی ۱۴۰۰۸۱۱۵۰۴۰ که آگهی انحلال آن درصفحه ۱۸۶ روزنامه رسمی کشور به شماره ۲۳۰۰۳ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۰ درج گردیده‌است دعوت می‌گردد تاظرف مدت حداکثر۶ ماه ازتاریخ انتشار آگهی نوبت اول باارائه مدارک مثبته ادعای خود را به مدیر تصفیه این شرکت آقای وحید اسلامی به کد ملی ۰۹۴۳۴۲۴۸۴۴ به شماره همراه ۰۹۱۵۵۰۵۰۰۷۳ مستقردرآدرس استان خراسان رضوی، شهرمشهد، خیابان کوهسنگی خیابان دکتربهشتی ۴۴ بعدازچهارراه سوم پلاک ۲۴۵ واحد ۶ کدپستی ۹۱۷۵۷۱۵۳۷۵ مراجعه نمایند. بدیهی است شرکت ومدیر تصفیه در مورد هرگونه ادعای احتمالی که خارج ازمدت فوق به شرکت منعکس گردد، مسئولیتی نخواهد داشت.

مدیر تصفیه شرکت تأمین قطعات الکترونیک مهتاب (سهامی خاص)(در حال تصفیه)
وحید اسلامی

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۶/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۷/۲۸
تاریخ انتشار نوبت سوم: ۱۴۰۳/۸/۲۸ خ ش ۱۴۰۳/۶/۲۸

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده شرکت پونک گلشن خراسان (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۴۳۱۵ و شناسه ملی ۱۰۳۸۰۳۹۷۵۳۲

بدینوسیله ازسهامداران ارجمند شرکت ویاوکلای قانونی آنان دعوت می‌شود در جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده که در روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۸/۰۸ ساعت ۱۱ صبح در محل قانونی شرکت واقع در شهرستان بینالود، بخش طرقبه، دهستان جاغرق آبادی اخترشاه محله جاده نغندر خیابان چالیدره پلاک ۰ مجتمع تفریحی چالیدره فاز۲ ساختمان اداری طبقه همکف کدپستی ۹۳۵۱۱۷۷۶۰۲ تشکیل می‌شود، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:

۱- استماع گزارش هیئت‌مدیره به مجمع عمومی.
۲- استماع گزارش بازرس قانونی.
۳- انتخاب اعضای هیئت‌مدیره برای ۲ سال آتی.
۴- انتخاب بازرسین اصلی و علی‌البدل برای مدت یک سال آتی.
۵- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت.
۶- سایرمواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی باشد.

رئیس هیئت‌مدیره
شرکت پونک گلشن خراسان

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۷/۲۸
خ ش ۱۴۰۳/۷/۲۸

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابرای شماره۱۴۰۳۶۰۲۶۵۰۰۱۶۲۰۳۷۰۰ مورخه۱۴۰۳/۶/۱۹ کلاسه شماره ۱۴۰۰۲۱۱۴۲۷۰۰۲۸۵۲ هیات اول/ دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ابهر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای نورمحمد محمدحسنی فرزند حاج محمد به ش. ش ۹۳۵ صادره از پاکستان در شهدشاگرد یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۴۵۱/۸۰ مترمربع پلاک ۱۹۵۰ فرعی از ۱۲۲ اصلی واقع در ابهر بخش سه زنجان (ابهر باغات بالای شناط) خریداری ازمالک رسمی (کلیه مالکین مشاعی) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۷/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۸/۱۳

سعید بهرامی
رئیس ثبت اسناد واملاک

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابرآرای صادره هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ابهر ودو رای صادره ش ثبتی ۵ دهک مالکیت اکبرعالمی به ش. م ۴۲۸۱۰۴۲۹۷۳۵ فرزند علیرضا نسبت به شناسائی قطعه زمین زراعی به شرح ذیل محرز گردیده لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

۱- شناسائی عرصه و اعیان یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۱۲۳۷۹/۱۹ مترمربع به پلاک فرعی ۴۳۰ و ۶۹ اصلی بخش ۵ زنجان واقع در اغولیمک علیا برابرآرای شماره ۵۸۱-۱۴۰۰ مورخه ۱۴۰۳/۰۲/۲۳

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۷/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۸/۱۳

علی غلامی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ایجرود

آگهی مزایده اموال غیرمنقول (اسناد دمه)

آگهی مزایده اموال غیرمنقول ۱۴۰۲۰۱۶۲۹

سه دانگ مشاع از شش‌دانگ عرصه واعیان پلاک ثبتی ۲۵۶ فرعی از ۵۹ اصلی مفروز و مجزا شده از ۸ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۲ در طبقه واقع در بخش ۰۲ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک آمل استان مازندران به مساحت ۳۴۷/۴۱ مترمربع متن ملک شماره ۲ ویست وپنجاه وشش فرعی ازپنجاه وپنج و مجزی شده از شماره هشت فرعی قطعه دو تفکیکی واقع در بخش دو حوزه ثبتی آمل استان مازندران به مساحت ۳۴۷/۴۱ سیصد وچهل وهفت مترچهل ویک دسیمترمربع به آدرس آمل جاده واسکس روستای اوجاک خیابان سعدی بعد از کوچه بهار ۶ کنار شالی کوبی اصغری منزل صبوری مالکیت محمد صبوری مرزنگو فرزند رمضانعلی ش. ش ۵ ت. ث ۱۳۶۰/۰۴/۱۷ صادره از آمل دارای ش. م ۲۱۴۲۸۱۶۸۴۳ با جزسهم ۱۲ ازکل سهم ۶ به عنوان مالک سه دانگ مشاع از شش‌دانگ عرصه واعیان متن سهم سه دانگ م